

انتشارات انصار امام مهدي عليه السلام / عدد ( ٧ )

# رسالتی اشکار

( جلد ١ )

به قلم

شیخ ناظم عقیلی

چاپ دوم

۱۴۳۳ هـ - ۲۰۱۲ م

برای آگاهی بیشتر در مورد دعوت سید احمد حسن علیه السلام

می توانید به سایت اینترنتی ذیل مراجعه کنید:

<http://mahdyeen.org/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند در قرآن می فرماید: (هر زمان که فرستاده ای نزد شما آمد و مطابق هوای نفس شما نبود استکبار ورزیدید پس بعضی از آنان را تکذیب کردید و بعضی از آنان را به قتل رساندید)<sup>(۱)</sup>.

روایات زیادی از پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در مورد آمدن ممهدين يا زمينه سازان قیام امام مهدی علیه السلام نقل شده که حکومت و سلطنت و نیز زمینه پیروزی و نصرت را برای ایشان آمده و مهیا میکنند.

از امام علی علیه السلام در حدیثی طولانی می فرماید: (اگر قائم در خراسان قیام کند و بر سرزمین کوفان و ملتان و نیز بر جزیره بنی کاوان مسلط شد و از ما قایمی قیام کند در جیلان (گیلان) و با او دیلمان باشند سپس قایمی قیام کند که امیدها به اوست که او امام گمنام و مجهول که برای او شرف و فضلی است. او از نسل تو یا حسین علیه السلام خطاب به امام حسین میباشد که فرزندی مانند او نیست؟) •

از امام صادق علیه السلام منقول است که: (قائم قیام نمیکند تا آنکه دوازده مرد قیام کنند و همه بگویند که ایشان را دیده اند و آنها را تکذیب میکنند) •

و شیخ علی کورانی در کتاب خود (ممهدين = علائم ظهور) که او از کتاب بشارت اسلام نقل میکند (مردی قبل از مهدی که او از اهل بیتش میباشد از مشرق خارج میشود و هشت ماه شمشیر بر کتفش حمل میکند (برای جنگ) و دشمنان خدا را به قتل میرساند و به قتل میرساند تا به بیت المقدس میرسد و هر کس با او رو به رو می شود کشته می شود) •

از امام علی منقول است اگر پادشاهی بنی فلان (بنی امیه (صدام) به پایان رسد خداوند تمکین میکند برای آل محمد ﷺ مردی که از اهل بیت است که با تقوا سیر و باهدایت عمل میکند و در حکم و ریاستش رشوه ای نیست به خداوند سوگند که من با اسمش واسم پدرش

آشنا هستم سپس برای ما می آید آنکه دو خال دارد عادل و حافظ آنچه به او داده اند (وارث) و جهان را از قسط و عدل پر میکند بشارت اسلام - م مهدون کورانی صفحه ۱۰۹ .

رسول خدا فرموده: (در نزد گنج شما سه شخصیت به قتل میرسند که همه آنها فرزندان پادشاه اند سپس به سوی هیچ کدام آنها نروید بعد از آن پرچم های سیاه از مشرق خارج میشوند که با آنها جنگ میکند که تا به حال چنین جنگی نشده سپس جوانی را ذکر کرد و فرمود اگر او را دیدید با او بیعت کنید که او خلیفه مهدی میباشد).

ابا بصیر از امام باقر عليه السلام در حدیثی بلند نقل می کند: ( ...قائم به اصحابش میفرماید: ای قوم من، مردم مکه مرا نمی خواهند ولی من رسولی نزد آنها خواهم فرستاد برای تمام کردن حجت تا کسی مانند من بر آنها حجت نکرده باشد. پس مردی نزد خود می طلبد از اصحاب خویش و به او می گوید: به سوی اهل مکه برو و بگو که، ای اهل مکه من رسول فلان برای شما هستم که او می گوید: ما اهل بیت عليهم السلام رحمت و معدن رسالت و خلافت و ما فرزندان محمد صلى الله عليه وآله و از نسل پیامبران عليهم السلام و ما مظلوم و مورد اذیت و آزار گشتیم و حقمان از آن موقع که پیامبران صلى الله عليه وآله قبض روح شد تا امروز پایمال شد و از شما یاری و نصرت می طلبیم... )<sup>(۲)</sup>.

و کسی که طالب اطلاع بیشتری است به کتابهای ذیل مراجعه کند: غیبت نعمانی - بشارت اسلام - بحار انوار - الزام ناصب, وغيره... از کتابهای احادیث.

و آنچه می خواهم به آن اشاره کنم قضیه ی رسول امام مهدی عليه السلام احمد الحسن که امام مهدی عليه السلام او را تقریباً قبل از چند سال بر ایمان فرستاده است. برای تمام مردم بشارت دهنده به نزدیک بودن قیام امام عليه السلام و ترساننده یا (منذر) برای دشمنان امام عليه السلام و مدعی برای اتحاد سیر امت بشریت بطرف عمل صالح و نیکو جهت تعجیل در فرج قیام امام عليه السلام و احمد الحسن عليه السلام از ابتدا ارسال خود متوجه علماء به خصوص و نیز برای مردم عام شد و از آنها خواست که از او دلیل و برهان طلب کنند تا آنچه ادعا می کند را برای آنها ثابت بفرماید. و یا گوش به

کلامش فرا دهند تا رسالتی که از طرف امام علیه السلام آورده است بشناسند. و راستگو از دروغگو مشخص شود ولی کسی به این درخواست جواب نداد.

می گویم باید ما همه مواظب باشیم تا مصداق این آیه نباشیم: **﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾** (۳).

( پس بزرگان کفار از قوم نوح گفتند: ما تو را جز بشری مانند خودمان نمی بینیم و پیروان تو را نیز جز افراد پست اجتماع وافرادی که رای خام دارندیش نمی پنداریم و اصولاً ما هیچ برتری در شما نمی یابیم بلکه گمان میکنیم شما دروغگو هستید).

ومن دوست دارم بعضی از دلیلهایی که برای طالب حقیقت مفید است و با آنها میتوان صحت دعوت احمد الحسن علیه السلام را شناخت که او رسول امام مهدی علیه السلام است از تمام مومنین دعوت میکنم که از آنها استفاده کنند با آنکه من کوچک آنها می باشم. تا مبادا شیطان (لع) آنها را از راه راست گمراه کند زیرا او راهنم تمام راههای هدایت است و اینک قضیه را از ه جانب می نگریم:

### اول: جانب احادیث و روایات:

احادیث زیادی می باشند که به شخصیت احمد الحسن اشاره مینماید:

۱- از امام علی علیه السلام در حدیثی بلند نقل شده که (... **اول آنها ۳۱۳ یار امام علیه السلام از بصره و آخر آنها از ابدال...**) (۴).

۲- از امام صادق علیه السلام در حدیثی بلند که نام اصحاب قائم ذکر فرموده نقل است که: (... **و از بصره عبد الرحمن بن اعطف بن سعد و احمد و ملیح و حماد بن جابر...**) (۵).

(۳) هود: ۲۷.

(۴) معجم احادیث امام مهدی: کورانی / بشاره اسلام: ۱۴۸.

(۵) بشارت اسلام.

۳- از امام صادق عليه السلام از پدرانش از امام علی عليه السلام فرمود: (رسول خدا صلى الله عليه وآله در شب که وفاتش بود به امام علی عليه السلام فرمود: (ای ابا الحسن صحیفه و دواتی بیا و رید و رسول خدا وصیتش را بر امام علی املاء کرد تا به این موضوع پایان یافت که ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی می باشد و تو ای علی اولین دوازده امامان می باشد ... و حدیث به این جا رسید که فرمود: بعد از تو امامت را به فرزندم حسن واگذار .... تا به امام حسن عسکری عليه السلام رسید و فرمود اگر ایشان به درجه شهادت رسیدند آن را (امامت) به پسرش محمد المستحفظ از آل محمد عليه السلام تسلیم نماید. سپس بعد از او دوازده مهدی می باشد تا موقعی که وفاتش نزدیک شد آن را (امامت) به پسرش اول مهدیین عليه السلام تسلیم کند او سه نام دارد نام همانند نام من و نام همانند نام پدرم که آنها عبدالله و احمد هستند و نام سوم مهدی است و او اولین مومنین است)<sup>(۶)</sup>.

می گویم: در حدیث اول مهدی بعد از قائم عليه السلام یکی از و نامش احمد است که او اول مومنین می باشد. و همچنین روایت تاکید کرده است بر اینکه اولین آنها از بصره است و او اولین شخص از انصار امام مهدی عليه السلام است. و نیز در روایت دوم تاکید شده که یکی از انصار امام مهدی عليه السلام از بصره و نامش احمد است. و چه مانعی می باشد که احمد الحسن اولین شخص از انصار امام مهدی عليه السلام و رسول امام مهدی می باشد بعد از اینکه فهمیدیم نامش احمد و از اهل بصره است.

۴- از امام صادق نقل است که: (بعد از قائم عليه السلام دوازده مهدی از فرزندان امام حسین عليه السلام می باشد)<sup>(۷)</sup>.

(۶) بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷ / غیبة طوسی ۱۰۷ و ترجمه شده ۳۰۰ / کحل البصر فی سیرة سید البشر: الشیخ القمی ۱۳۹ / مختصر بصائر الدرجات: الحلی ۳۹ / الکشکول: البحرانی ج ۲ ص ۸۹ باب فی ماورد فی القائم / غایة المرام: ج ۲ ص ۲۴۱ / الشیخ الحر العاملی فی إثبات الهداة: ج ۱ ص ۵۴۹ ح ۳۷۶ / الشیخ الحر العاملی کتاب الايقاظ من الهجعة: ۳۹۳ / الشیخ عبدالله البحرانی فی کتابه العوالم: ج ۳ ص ۲۳۶ ح ۲۲۷ .

(۷) بحار انوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸ / برهان: ج ۲ ص ۳۱۰ / غیبت طوسی: ۳۸۵.



۵- در بحار از حضرت صادق علیه السلام سوال شد: (ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله از پدر شما شنیدم که می فرماید بعد از قائم دوازده امام می باشد. فرمود (براستی که فرمود دوازده مهدی نه دوازده امام و آنها قومی هستند از شیعیان ما که مردم رابه موالات ما و شناخت حقمان راهنمایی می کنند)<sup>(۸)</sup>.

و کسی که تدبر در این احادیث کند وقتی کوری را از چشمان خود بر کنار کند و نیز تعصب راز قلب خویش دور کند می بیند که دعوت احمد الحسن مغایر و مخالف با آنچه از اهل بیت علیهم السلام آمده است نیست ... و این احادیث تاکید می کند که اولین مومنین و اولین انصار امام مهدی علیه السلام نامش احمد واز بصره است که او از نسل و ذریه امام مهدی علیه السلام واز شیعه او نیز می باشد. اگر بگویید: وجود نام احمد الحسن در روایات دلیلی بر صحت این مدعا نمیباشد که به شما می گویم: جمع کثیری از یهود و مسیحیان و غیر از آنها به رسالت پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده اند برای اینکه ایشان در تورات و انجیل مذکور بود و به مجرد اینکه از اوسوال کردند و جواب شنیدند ایمان آوردند و بعضی از آنها وقتی که کلامش را شنیدند ایمان آوردند ولی عده ای وقتی او را دیدند مومن شده اند که آنها صاحبان بصیرت هستند ولی کسانی که قساوت قلب دارند به او کفر ورزیدند حتی وقتی که برای آنها معجزات و آیات بزرگ ظاهر کرد. و خداوند میفرماید:

﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾<sup>(۹)</sup>.

(پشمشها کور نمیشود بلکه قلب هایی که در سینه هستند کور میشوند).

و نیز جمع زیادی از یهودیان و مسیحیان به امام علی علیه السلام و بقیه ائمه علیهم السلام ایمان آوردند. زیرا آنها را در کتابهای خود پیدا کرده اند و داستان های زیادی در این مورد میباشد که برای رعایت اختصار آنها را ذکر نکردیم. واز کسانی که می خواهند اطلاع پیدا کنند به کتاب های مذکور مراجعه نمایند بحار انوار و الزام ناصب و و اصول کافی و ...

(۸) بحار انوار: ج ۵۳ ص ۱۴۵ / کمال الدین: ج ۲ ص ۳۵۸.

(۹) حج: ۴۶.

## دوم: جانب غیبی:

و نیز علاوه بر وجود نام احمد الحسن در روایات اهل بیت نیز تایید میکند مانند خبرهای غیبی و خوابهای صادقه و مکاشفات ائمه اطهار علیهم السلام خداوند میفرماید:

﴿الم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (۱۰).

(آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و هدایتی برای متقین میباشد کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز بر پا میکنند و از آنچه به آنها رزق داده ایم انفاق میکنند).

واحد الحسن چه بسیار از اخبار غیب راپیشگویی کرد و به تحقیق رسید. و نیز جمع کثیری از مومنین مکاشفات رابه ائمه اطهار علیهم السلام را مشاهده کردند که ایشان تاکید ورزیدند به اینکه احمد الحسن برحق است و او رسولی از امام مهدی علیه السلام میباشد. و اما خواب های صادقانه (روئیت) برای تعدادی از مومنین حاصل شد و مشاهده کردند که امام مهدی علیه السلام و یا یکی از ائمه اطهار علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) که در خواب به آنها تاکید کردند که احمد الحسن رسول از امام مهدی و نیز مردم باید او را یاری کنند. اگر بگویند: خواب نمی تواند حجت و دلیل برای صحت دعوت باشد مولف میگوید: ممکن نیست که چنین قاعده ای به وجود آورند زیرا این قاعده باطل است. آنها بعد از اینکه داستانهای زیادی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا یکی از ائمه اطهار اتفاق افتاده است و در کتب شیعه منقول میباشد. از جمله آنها: از جابر بن عبد الله انصاری نقل است که جندل بن جناده بن جبیر یهودی بر رسول خدا وارد شد و گفت: (... پس من دیشب خوابی دیدم که حضرت موسی به من گفت ای جندل بر دست محمد خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله مسلمان شو و به اوصیاء بعد از ایشان تمسک جو پس گفتم مسلمان شدم! و ستایش و ثنای برای خداوند که به وسیله تو هدایت شدم. سپس گفت: ای رسول خدا از اوصیاء بعد از تو به من خبر ده تا به آنها تمسک جویم. فرمود

اوصیاء من دوازده تن میباشند جندل گفت همچنین آنها را در تورات پیدا کردیم و گفت: ای رسول خدا نام آنها را برایم بازگو نما؟ و فرمود (...)<sup>(۱۱)</sup>.

و نیز داستان اسلام آوردن خالد بن سعید بن عاص اموی آن بود که خواب دید که پدرش او را بسوی آتش میکشد و رسول خدا محمد ﷺ او را به سوی بهشت، نزد رسول خدا آمد و خواب خود را تعریف کرد و اسلام آورد و چه نیک اسلام آوردنی و یکی از یارانی بود که امام علی علیه السلام را بعد از وفات رسول خدا ﷺ یاری داد آن موقع که تنها و بی یار بود.

و اما داستان نرگس مادر امام مهدی علیه السلام که از داستانی مشهور میباشد. (در حالی که او دختر پادشاه روم بود و در خواب دید که رسول خدا محمد ﷺ او را از عیسی بن مریم برای امام حسن عسکری خواستگاری کرد و بعد از آن فاطمه الزهرا (علیها السلام) و مریم (علیها السلام) را دید که حضرت فاطمه به او دستور داد که اسلام آورد و نیز شهادتین را بگوید و نرگس (علیها السلام) ایمان آورد. سپس امام حسن عسکری را هر شب در خواب میدید و در یکی از شب ها به او دستور داد که لباس کنیزان را بپوشد و با لشکر پدرش مخفیانه برود که این لشکر برای جنگ با مسلمین میرفت. تا اسیر مسلمانان شود و کسی از طرف امام هادی علیه السلام او را از آنها خریداری کند و با امام حسن عسکری ازدواج کند)<sup>(۱۲)</sup>.

و داستان وهب مسیحی و جریان شهید شدنش با امام حسین نیز مشهور است که آن هم به سبب دیدن حضرت عیسی در خواب که به او امر کرد امام حسین علیه السلام را یاری کند و خود و خانواده اش بموجب دیدن خواب فدا کرد. و همچنین شیخ صدوق در خواب امام مهدی را میبیند که به او دستور میدهد کتابی در مورد غیبت تالیف نماید. که ایشان این امر را قبول کرد و کتابی به نام کمال الدین نگارش کرد. در حالی که شیخ صدوق از بزرگان علمای شیعه میباشد و به دیدن خواب امام علیه السلام اعتنا کرد و طبق امر ایشان عمل کرد. و اما اگر دیدن خواب

(۱۱) الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۷۸.

(۱۲) الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۸۵ / و اکمال دین صدوق.

حجت است پس عمل شیخ صدوق صحیح است! واگر در خواب حجت نیست وانگهی عمل شیخ صدوق به اینکه به دیدن خواب عمل کرد اشتباه ودور از عقل است که معاذ الله از آن شیخ صاحب مقام رفیع و دارای شان عظیم میباشد. شیخ صدوق در مقدمه کتاب کمال الدین میفرماید:

(در یکی از شب ها به فکر عیال وپسران وبرادران ومال که در پشت سرم گذاشتم وآدمه بودم که خواب بر من غالب شدودر خواب دیدم که انگاردر مکه ودور خانه خدا طواف میکردم ودر آن حین من در دور هفتم بودم که به حجر اسود رسیدم وآن را لمس کرده و میبو سیدم ومی گفتم: امنتم را ادا کردم وبه میثاق خود پایبندم وبرای من شهادت ده که وفا نمای. که در آن هنگام مولای صاحب الزمان را مشاهده کردم ونزد ایشان میرفتم با قلبی مشغول ودلی متحیر که امام از آنچه در خودم دارم بانگاه به صورتم آگاه شد. و به او سلام کرده وجواب سلام شنیدم سپس به من فرمود: چرا درمورد غیبت کتابی نمی نویسی؟ تا به آنچه مشغول هستی رفع گردد؟ گفتم: ای فرزند رسول خدا در شأن غیبت اشیائی نوشتم..! فرمود: نه بر آن طریق به تو دستور میدهم. بلکه الان کتابی در مورد غیبت می نویسی که درآن از غیبت انبیاء ذکر کنی! سپس ایشان رفتند من نیز بیدار شدم که به سوی دعا خواندن وگریه کردن وشکایت شتافتم تا وقت طلوع آفتاب تا اینکه به تالیف این کتاب اقدام کردم. تابع دستور وامر ولی خداوحجتش وبا کمک خداوند وتوکل بر او و باعرض پوزش از تقصیر وهیچ توفیقی جز خدا نیست وبر او توکل کرده وبه سوی او رفته..)<sup>(۱۳)</sup>.

و داستان های زیادی وجود دارند که از آن ها چشم پوشی کردیم.

واما انبیاء ومرسلین اکثر آن ها نبوتشان از طریق خواب دیدن در عالم رویا میباشد. برای تاکید به کتاب اصول کافی و... مراجعه کنید.واینکه بگویند خواب حجت نیست موجب خدشه کردن جمع کثیری از شخصیت ها و اولیاء که به سبب خواب دیدن خود ومال وفرزندان را جهت خواب دیدن فدا کردند وآیا اینها بدون حجت ایمان آوردند و آنها اشتباه کردند؟

معاذالله بلکه گفته آنها به اینکه خواب حجت نیست حتی شخصیت رسول خدا ﷺ و بقیه ائمه را خدشه دار میکند. زیرا آنها از کسانی که به سبب خواب ایما آوردند ساکت شده و به آنها نفرمودند که خواب حجت نیست! و چنانچه معلوم است کلام و اقرار معصوم حجت میباشد. پس شمارا چه می شود و چگونه حکم می کنید؟ و در جواب کسانی که میگویند شیطان میتواند در عالم رویا و خواب به شکل شخصیت های بزرگ همچون معصومین عليهم السلام گردد مولف به اینها میگوید: بهتر است مذهبی غیر از مذهب محمد ﷺ پیدا کنید زیرا این کلام متکبرانه و مخالفتی سخت با کلام اهل بیت عليهم السلام میباشد. از حضرت امام رضا عليه السلام نقل است: **(که پدرم از جدم از پدرش اینکه رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس مرا در خواب ببیند مرا دیده است زیرا شیطان نه به صورت من و نه احدی از اوصیائم و نه به صورت احدی از شیعیانم متصور نمیشود و اینکه خواب صادق جزئی از ۷۰ جزئوت میباشد)<sup>(۱۴)</sup>.**

و از رسول خدا نقل شده: **(هر کس مرا در خواب دید من را دیده است زیرا شیطان به صورت من متمثل نمیشود چه در خواب یا بیداری و نه بصورت احدی از اوصیا من نیز نمی تواند متمثل شود تا روز قیامت)<sup>(۱۵)</sup>.**

امام صادق عليه السلام فرمود: **(اگر بنده ای بر معصیت خداوند باشد و خدا برای آن بنده خیری خواست خوابی به او نشان میدهد تا از آن گناه و معصیت دوری کند و اینکه خواب صادق جزئی از ۷۰ جزئوت میباشد)<sup>(۱۶)</sup>.**

(۱۴) دار سلام: ج ۴ ص ۲۷۲ / من لایحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۸۵ - بحار الانوار: ج ۴۹ ص ۲۸۴.

(۱۵) دارالسلام ج ۴ ص ۲۸۳.

(۱۶) اختصاص: مفید ۲۴۱ / بحار الانوار: ج ۱۴ ص ۴۳۵.

از رسول خدا روایت شده است: **(بعد از من نبوتی نیست فقط مبشرات گفتند: ای رسول خدا مبشرات چیست؟ فرمود: خواب صالح و صادق)**<sup>(۱۷)</sup>.

امام باقر علیه السلام فرمود مردی از رسول خدا در مورد این سوال کرد **﴿لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾**.

(برای آنها بشارتی است در حیات زندگی است. فرمود آن خواب صادق و خوب است که مومن آن را میبیند و در دنیا به آن بشارت داده میشود)<sup>(۱۸)</sup>.

و غیر از این دهها احادیث تأکید میکند که خواب پیامبر صلی الله علیه و آله و یا احدی از ائمه معصومین و یا احدی از مومنین شیعه شیطان به آنها متمثل نمیشود... به دار السلام میرزا نوری مراجعه کنید برای اطلاع بیشتر...!

**﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾**<sup>(۱۹)</sup>. (هر کس در این دنیا کور است، در آخرت نیز کور و راهش گمراهی است).

اضافه بر این اغلب کسانی که به این قضیه ایمان آوردند با قرآن کریم استخاره گرفته اند و استخاره خوب در آمد و این قضیه را تأکید کرد و شاید کور دلان و کسانی که ایمان کمی دارند بر استخاره گرفتن اعتراض کنند و بگویند که آن حجت بر صدق این مدعی دعوت نیست!!  
مولف به اینها میگوید:

۱- قضیه احمد الحسن قضیه غیب است و ممکن نیست که بر آن به غیر از دلیل غیب استدلال کرد و استخاره از امور غیبی است و خارج از اختیار انسان می باشد. همانطور که شهید سید محمد صادق صدر بر آن دلیل آورد که در کتابش "ماورا الفقه" آنجا که میگوید: **(ممکن نیست انسان مومن برادر مومن خود را گمراه کند هنگامی که به امر معینی از او نصیحت خواهد. پس چگونه خداوند متعال و رحمن و رحیم امکان دارد کسی را که**

(۱۷) بحار انوار: ج ۵۸ ص ۱۹۳.

(۱۸) بحار الانوار: ج ۵۸ ص ۱۸۱.

(۱۹) اسرا: ۷۲.

نصیحت کند گمراه بنماید... مولف به شما نصیحت میکند در مورد استخاره به این بحث در کتاب مزبور مراجعه کنید زیرا بحثی است روشن کننده وسیلی است در صورتی کسانی که به غیب ایمان ندارد).

۲- از اهل بیت علیهم السلام در بیشتر ادعیه ها مردم را به سوی خداوند در مواقع حیرت راهنمایی کردند. که در دعای جوشن کبیر آمده است: فصل ۱ : (ای دلیل ورهبر من در وقت حیرت ای داد رس من در روز نیازمندی ای پناه من وقت اضطرار و پریشانی ای یاور و دادرس من هنگام ترس و هراس. فصل ۱۴ : ای راهنمای متحیران ای دادرس دادخواهان ای فریاد رس فریاد کنان... و خداوند دادرس انسانهاست).

ای مومنین مواظب خطر این عده باشید که راه بر مردم میبندند و راه هدایت که خداوند برای مردم نصب کرده است مسدود می کنند مردم را به آن در شک و تردید می اندازد و از واضحتین این راهها استخاره به قرآن کریم و خواب صادقانه و غیر اینها که به عدد خلایق میباشد

۳- روایات زیادی از اهل بیت موجود میباشد که مردم را هنگام حیرت نداشتن هدایت، و ناامیدی در کارهای خود به سوی استخاره قرآن تشویق و ترقیب میکنند.

در وصیت امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام آمده که (... و در مسائل با پروردگارت خالص باش زیرا عطا و محرومیت به دست اوست و استخاره زیاد بگیر...) (۲۰).

از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است که: (اگر خواستی با کتاب خدا استخاره بگیری پس سوره اخلاص را ۳ مرتبه بخوان و ۳ صلوات بر محمد و آل محمد بفرست. سپس بگو خداوندا من به کتاب تو فال میگیرم و بر تو توکل مینمایم و از کتاب تو به من نشان ده آنچه پنهان است از برکت غیبت سپس قرآن را باز کن بدون اینکه برگه بزنی و خط اول از سمت راست را بخوانی و اگر در آن بشارت و خیر و برکت باشد خیر است و اگر انداز و عذاب و غیر .... باشد بد است) (۲۱).

(۲۰) نهج البلاغه ص ۳۹۳.

(۲۱) مفاتیح الجنان - باقیات الصالحات.

و نیز غیر از این احادیث زیادی روایت شده است که مردم را متذکر و ترقیب می کند به خدا رجوع کنند و از او طلب خیر نمایند.

روایت شده از صفوان ابن جمال! (شتریان) با استخاره امامت علی ابن موسی الرضا علیه السلام را قبول کرده است در حالی که او از بهترین صحابه امام موسی کاظم علیه السلام و از نزدیکان ایشان می باشد. شیخ طوسی در کتاب غیبت روایت می کند **(علی ابن معاذ گفت: به صفوان ابن یحیی گفتم به چه چیز امام رضا را شناختی؟ گفت: دو رکعت نماز خواندم و دعا کردم و استخاره گرفتم).**

اینها دلایل و حجتی بر استخاره گرفتن است و کسانی که میگویند استخاره حجت نیست دلیل قاطعی ندارند و چگونه دلیل را بدون دلیل می توان قبول کرد؟ شما را چه میشود و چگونه حکم میکنید؟ و هر کس استخاره را فقط در موردهای دیگر اختصاص دارد و انگهی گزاف می باشد! که اخبار و روایات خلاف همچنین نظریه ای است که میگویند و نظر دهنده ملتفت و آگاه نبوده است.

### سوم - جانب علمی:

رسول امام مهدی علیه السلام سید احمد الحسن علیه السلام از همان اول دعوت ادعا کرد که تمام علماء در قران کریم و عقاید بیابند و با او مباحثه و مناظره نمایند تا معلوم شود این علمی که او آورده است آیا از تحصیل و آموزش بشر عادی بوده یا از علوم مخصوص اهل بیت علیهم السلام که میتوان با آن آیات محکمت و متشابهات و ناسخ و منسوخ را فهمید.

از امام صادق علیه السلام در بخشش با ابو حنیفه در حدیثی بلند نقل است که: **(ای ابو حنیفه کتاب خدا را به حق می شناسی و از آیات ناسخ و منسوخ آن آگاهی داری؟ گفت: بله، فرمود: ای ابا حنیفه ادعای علمی کردی که خداوند آن را در غیر از اهل کتاب نفرستاده است وای بر تو که آن علم نمی باشد مگر در نسل خاص پیامبرمان صلی الله علیه و آله و خداوند از آن علم حرفی به تو به ارث نرسانده...)** (۲۲).



وتا الان دعوت یمانیه سید احمد الحسن برای مناظره و بحث باز می باشد ولی کسی اجابت نمی کند و بعضی از آنها به این گفته قانع شدند که: (برای آنها توجه قائل نباشد) که به اینها می گویم پس به چه علت ائمه علیهم السلام سران یهودیان و مسیحیان بلکه زندیقان و کافران را بزرگ می کردند و با آنها می نشستند و مناظره می کردند و ادعای باطلشان را باطل و دین اسلام حنیف را به حق ثابت می کردند؟ و به چه دلیل امام صادق علیه السلام با ابو حنیفه و امثالش مناظره می کند و مذهبشان را باطل می کرد با اینکه امام علیه السلام به یقین می دانست که آنها باطل و منحرف بودند؟ و شما امروز هیچ دلیل و حجتی نه در کتاب و نه در سنت دارید که دعوت احمد الحسن علیه السلام را باطل کند. و باین هم بعضی از شماها با ظلم و دشمنی این مرد را تکذیب کردید. خداوند میفرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾ چون علم آن را نداشتن او را تکذیب کردند. و نیز خداوند می فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (۲۳).

(هنگامی که آنها حاضر شدند گفت به نشانه هایم دروغ بستید با آنکه بر آنها تسلط نداشتید به چه کارهایی مشغول بودید؟ اگر بگویند قرآن چند وجه میباشد و نمیتواند دلیل بر صحت این دعوت و مدعیش باشد. مولف می گوید: آنچه از احتجاج و دلیل آوردن به قرآن کریم نمی شده است مناسبات خاص خود دارد و نه اینکه مطلقا و ابدا نمی توان با آن دلیل آورد).

و ما مدعی امامت و یا اتصال به امام مهدی علیه السلام می توان اینچنین ادعا را از معرفت و صداقت او از امتحانش به سوالاتی از قرآن کریم در مورد محکمت و متشابهات و ناسخ و منسوخ سوال کرد و این چیزی است که ائمه علیهم السلام به آن اشاره کرده اند: (از توقیعی خارج شده از ناحیه امام مهدی علیه السلام در دروغ بودن هر کس ادعای سفارت نماید دروغگو است این توقیع بلند می باشد ولی به اندازه حاجت و قرض از آن برداشت نمودیم) (۲۴).

(۲۳) نمل: ۸۴.

(۲۴) الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۸۷.

روایات زیاد است عکس این روایت است که ثابت کرده است که امام با کسانی که خود را بخواهد ملاقات می کند مانند ساخت مسجد جمکران و علی ابن مهزیار نامه های ایشان به شیخ مفید (رح) و ...

از مفضل بن عمر منقول است که گفت: (از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که می فرماید: برای صاحب این امر دو غیبت میباشد یکی به نزد اهلش بر می گردد و در دیگری می گویند هلاک شد و یا در بیابانی راهش را گرفت و رفت گفتم در آن وقت چه انجام دهیم اگر این اتفاق بیافتد؟ فرمود اگر کسی ادعای امامت کرد از آن در مورد عظیمترین چیزها سوال شود وان اینکه از قرآن از او سوال کنید...) (۲۵).

و کدام عظیمتر از قرآن کتاب خدا و بزرگتر از آن است کتابی که از نظر معانی سنگین و بزرگ و عقلهای مردمان از او متحیر ماند. و حتی اعتراف کردند که نمی توانند به علومش احاطه کنند و از تفکیک رمز هایش عاجز و ناتوانند زیرا آن علمی است پنهان و مخفی در نزد اهل بیت طهارت است.

از امام صادق عليه السلام در روایتی بلند حال یکی از یاران امام مهدی عليه السلام در زمان ظهور را اینچنین شرح می دهد: (... و اما آن کسی که با کتاب خدا بر آن ناصبی از سرخس احتجاج می کند مردی عارف است که خداوند معانی قرآن را به او الهام می نماید و کسی از مخالفین نمی ماند جز این که با ما حجت می کند و امر ما را در کتاب خدا ثابت میکند...) (۲۶).

و این روایت آشکار دلالت می کند که یکی از انصار امام مهدی عليه السلام با کتاب خدا احتجاج می کند و این روایت صاحبان هر شبهه ای که می گویند نمی توان با قرآن کریم احتجاج کرد را دفع می نماید.

(۲۵) غیبت نعمانی: ۱۷۸ / الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۴۷ / بحار الانوار: ج ۵۲.

(۲۶) بشارت اسلام: ۱۷۸.

**چهارم: جانب نوعی:**

و این جانب به نوع و در ضمن دعوت بر اساس واهداف ایشان می باشد. اگر دعای با کتاب خدا و سنت پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واهل بیتش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ موافق بود، مانعی برای قبول و تبعیت نکردن از آن نیست؟! واما اگر مدعی دعوت اموری به امام مهدی نسبت دهد که موجب بدعت در دین باشد ممکن نیست آن را قبول کرد. که به این معنی و موضوع شهید سید صدر در کتاب غیبت صغری ص ۶۵۳ اشاره کرده است: **(مدعی مشاهده وقتی دروغگو و منحرف است که در خصوص نقل امور باطله از امام مهدی می باشد واما اگر غیر از این باشد توقیع شریف از امام دلالت بر بطلان از ناقل امور صحیح به حسب قواعد اسلامی و احتمال صحت بودن آنها و با اینکه اموری دروغ و باطل نقل نمی کند مطلقا...)**

و هر کس نزدیک اصحاب این دعوت شود و با آنها همنشین شود برای او روشن می شود که آنها چه قدر به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ اخلاص دارند و محافظ و نگهدار این دین هستند. و اینکه احمد الحسن رسول امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ مردم را به اطاعت خدا دعوت می کند با تبعیت از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و همت گذاشتن به قرآن کریم و فقرا و مساکین و یتیمان و نیز مردم را به وحدت امت دعوت می کند. و مردم را به پر کردن صفها و تهیه کردن تعداد وعده ها برای یاری امام مهدی و توجه همگان به امام و زمینه سازی برای ایشان... در حالی که بقیه... مردم را به سوی خود می خوانند و نزدیکان و انصار خویش را به خود نزدیک مینماید و بقیه را سرزنش می کنند و هر مجموعه کسانی که از آنها طرف داری میکنند مورد تشویق قرار می دهند و اجتماع شیعه به احزاب و گروه ها تبدیل شد که با همدیگر به دشمنی و جنگ پیا خواستند. و چه راست و صادق است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ وقتی می فرماید: **(چگونه هستید هنگامی که بدون امام هدایت و بدون علم مانند وقتی که بعضی از شما با بعضی دیگر بیزاری کند که در آن وقت متمیز میشوید. و شمارش می شوید و غریبه می شوید...)** (۲۷).

(۲۷) منظور امام از امتحانات آن زمان. بحارالانوار: ج ۵۲ ص ۲۱۲.

وای کسانی که با رسول امام مهدی عليه السلام جنگ و مبارزه می کنید به چه دلیل و علت با ایشان مخالفت می کنید آیا سنتی را تغییر داد؟ و یا شریعتی تبدیل کرد؟ و هیچ قدرت و سعی نیست مگر خداوند متعال و بزرگ و آگاه خواهد شد کسانی که مورد ظلم و ستم شدند که چه کسی پیروز خواهد شد و عاقبت نیز از آن متقیان می باشد.

### بنجم: جانب معجزه و اعجاز:

سنت خدا در اغلب و بیشتر از انبیا و مرسلین هنگامی که مردم را به توحید خداوند دعوت می کنند و آنها را از خدایان دروغین دور کرده و آنها را نیز به جنگ با نفس خود دعوت کرده و اولین کسانی که ایمان می آوردند صاحبان بصیرت که با چشم خدا نگاه می کنند مانند حضرت علی ابن ابی طالب عليه السلام و خدیجه و عمار و مقداد و مالک اشتر و بقیه از اولیاء آنها از رسول خدا صلی الله علیه و آله معجزه طلب نمی کردند تا ایمان آوردند و او را تصدیق کرده اند. خداوند می فرماید: ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (۲۸).

(چشمها کور نمی شود از نور خداوند بلکه دلها کور می شود که در سینه ها موجود می باشد).

﴿وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ﴾ (۲۹).

(خداوند برای کسانی که نور بصیرت قرار نمی دهد نیز برای آن شخص نور هدایت و بصرت نمی باشد).

و نیز فطرت خداوند با دوستی ثروت و مقام و جاه و... مانند چهار پایان می باشند راه هدایت را گم کرد. و جز با چشم های خود نمی بیند و به این حجت ایمان به غیب و به دعوت الهی فقط از راه معجزه مادی می دانند. و به این علت رسول امام مهدی عليه السلام احمد الحسن از مشهورترین علما درخواست کرده است که از او معجزه مادی طلب کند تا با آن درستی و صدق دعوتش را برایشان ظاهر نماید و برای مردم روشن خواهد شد و این دعوت

(۲۸) حج: ۴۶.

(۲۹) نور: ۴۰.

راست یا دروغ می باشد زیرا مردم نمی توانند معجزه مادی و الهی را از سحر و جادو تشخیص دهند و بیش از ماهها از این در خواست و طلب می گذرد و کسی جواب نمی دهد خداوند می فرماید: (وکسانی که علم نداشتند گفتند اگر خدا با ما سخن نگوید یا نشانه ای بر ایمان بیاید و مانند این گفتار کسانی که قبل از آنها بودند گفتند که قلب هایشان با هم شباهت دارند و آیات و نشانه ها را برای قومی بیان کردیم تا یقین پیدا کنند)<sup>(۳۰)</sup>.

و من از این جا فریاد میزنم تا وجدانها را بیدار شود و کوری چشم ها را بر طرف نماید و طالبان حق و حقیقت و محبین امام مهدی علیه السلام را هدایت کنم که شما وعده داده شده هستید که زمینه سازان قبل از قیام امام مهدی می باشید اگر با تمام دلایل و علامات حضرت (احمد الحسن) را تکذیب و دروغگوی متهم کردید. پس به چه کسی صداقت پیدا می کنید که قبل از امام علیه السلام می آید؟ و چه چیزی از او طلب می کنید تا صداقت مدعایش را ثابت کند خداوند می فرماید: ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾<sup>(۳۱)</sup>.

( حسرت بر این بندگان هر رسولی که نزدشان می آید او را به تمسخر می گیرند )

و آنچه باید متذکر باشم به بعضی از روایات اهل بیت علیهم السلام در وصف فتنه هایی که قبل از خروج صاحب الزمان می باشد است. از امیر المومنین نقل شده است (سوگند به آنکه جانم در دست اوست آنچه دوست دارید نمی بینید مگر زمانی که به صورتهای همدیگر آب دهان انداخته و همدیگر را دروغگو خوانده تا کسی از شما باقی نماند ) (و یا فرمود از شیعه من) مگر به اندازه سرمه در چشم و یا نمک در غذا)<sup>(۳۲)</sup>.

امام علی فرمود: (و براستی برای غائب دو غیبت است یکی از غیبتها از غیبت دومی بلندتر است اما غیبت اولی شش روز و یا ۶ ماه و یا ۶ سال است و دومین غیبت به طول می کشد تا بیشتر کسانی که به او ایمان دارند باز گردند. و کسی از ایشان ثابت نمی ماند

(۳۰) بقره: ۱۱۸.

(۳۱) یس: ۳۰.

(۳۲) الزام الناصب: ۲۴۴.

مگر کسی که یقین قوی و معرفتی صحیح داشته باشد. و در خود شکی از قضاوت ما پیدا نکنند و به امر ما اهل بیت علیهم السلام تسلیم باشند<sup>(۳۳)</sup>.

امام صادق عليه السلام می فرماید: (به مصیبتی مبتلا می شوید و بدون علمی که با آن ببینید و بدون امام هادی (هدایت کننده) می مانید و از این مصیبت کسی نجات پیدا نمی کند مگر کسی که دعای غریق را بخواند: و فرمود: بگو یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک)<sup>(۳۴)</sup>.

ابن عباس می گوید: (رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود به راستی علی ابن ابی طالب عليه السلام امام امت من است و خلیفه آنها بعد از من است و از نسل او قائم منتظر است که زمین را پر از عدل و قسط می کند همانطور که پراز ظلم و جور شد بشارت دهنده و ترساننده و کسانی که در غیبت بر امامتش ثابت قدم هستند از کبریت قرمز کمتر هستند)<sup>(۳۵)</sup>.

امام موسی عليه السلام فرمود: (اگر پنجمین فرزند (امام) از هفتمین فرزند (امام) مفقود شد پس خداوند در ادیان شماست کسی شما را از آنها دور نکند همانا صاحب این امر باید غیبتی داشته باشد که در آن کسی که می گفت از یاران او هستند خارج می گردند. آگاه باشید که این امتحان الهی است)<sup>(۳۶)</sup>.

امام صادق فرمود: (همانا از حدیث شما دلهای مردان مشمئز می شود پس هر کس آن را قبول کرد به او بیفزایید و هر کس آن را انکار کرد ترکش کنید زیرا باید فتنه ای باشد در آن سقوط کنند کسانی که مدعی انتظار هستند و سقوط کند کسی که موی را به دو شقه تقسیم کند (علماء) تا اینکه فقط ما و شیعیانمان بمانیم)<sup>(۳۷)</sup>.

(۳۳) الزام ناصب: ج ۱ ص ۸۹.

(۳۴) الزام الناصب: ج ۱ ص ۴۱۷.

(۳۵) الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۵۶.

(۳۶) الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۰۲.

(۳۷) الزام الناصب: ج ۱ ص ۲۴۱. غیبه نعمانی ص ۲۱۰.

خداوند می فرماید:

﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (۳۸).

(مانند کسانی نباشید که برای آنها کتاب فرستادیم سپس بعد از آنکه مدت انتظار برایشان طولانی شد و دل‌هایشان سفت شد که اکثر آنها فاسق و از امر خلیفه سرپیچی کردند)

از امام صادق نقل است: (این آیه از قرآن برای زمان غیبت و روزهای نازل شده و نه زمانی دیگر و الامد یعنی مدت غیبت است) (۳۹).

در حدیث معراج آمده است پیامبر فرمود: (گفتم: خداوند! ظهور و قیام قائم علیه السلام چه زمانی می باشد؟ پس خداوند به من وحی کرد (آن وقتی می باشد که علم ناپدید شود و نادانی ظاهر گردد و قاریان زیاد شوند و عمل صالح کم و قتل زیاد شود و علمای هدایت کننده کم شوند و علمای خائن و گمراه کننده زیاد..) (۴۰).

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿الم \* احسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون \* ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين﴾.

(الم \* آیا مردم می پندارند اگر بگویند ایمان آوردیم مورد امتحان قرار نمی گیرند. ما کسانی که قبل از آنها بودند مورد امتحان قرار گذاشتیم تا خداوند راستگویان و دروغگویان را بشناسد).

(۳۸) حدید: ۱۶.

(۳۹) الزام الناصب: ج ۱ ص ۹۳.

(۴۰) الزام الناصب: ج ۱ ص ۱۹۱.

والحمد لله وحده

به قلم شيخ ناظم عقيلى

١٢ صفر ١٤٢٥ هـ . ق